

فقدان رئیس جمهور شهید ابراهیم رئیسی تغییری در چارچوب در حال ظهور ائتلاف تمدنی میان روسیه، چین و ایران ایجاد نخواهد کرد

میراث رئیسی برای نظم جهانی

در هر حال فرشته تاریخ، به جهت جدیدی اشاره می‌کند؛ چین، روسیه و ایران در قامت حاکمانی طبیعی هستند که ظهور دوباره هارتلند را شکل می‌دهند. به طور خلاصه، این ۳ حاکم دارای سطح معرفت‌شناختی، اراده، خلاقیت، مهارت در سازماندهی، بینش و ابزار اعمال قدرت برای تحقق یک «پروژه پرموت‌های» واقعی هستند. ممکن است معجزه به نظر برسد اما رهبری فعلی در این ۳ کشور در این درک و تلاش مشترک سهیم هستند. در گذشته، شخصیت‌های انقلابی ایران به کام غربی‌ها بیش از اندازه سرسخت می‌آمدند اما ذائقه غرب در این حوالی دیگر اهمیتی ندارد. پس از چرخش بزرگ رئیسی به شرق و چندجانبه‌گرایی به دنبال سوگیری نادرست و ناموفق غرب‌گرایانه حسن روحانی، رئیس‌جمهور سابق اصلاح‌طلب، باید دید کدام شخصیت ایرانی تکمیلی برای زوج شی و پوتین خواهد بود.

✽ تحلیلگر راهبردی سرشناس برزیلی و نویسنده کتاب «امپراتوری آشوب»

منبع: پایگاه کردل

بی‌نوشت

۱- اصطلاحاً به پروژه‌های جدید و چابکی گفته می‌شود که ویژگی آنها ارائه کارکنان ماهر و باتجربه به مشتریان با هدف برنده شدن مناقصه‌ها و کسب امتیازهاست.
۲- مفهومی که در اوایل قرن بیستم توسط نیکلاس جان اسپایکمن، استاد روابط بین‌الملل در دانشگاه پیل در مقابل نظریه هارتلند مطرح شد. بر این اساس ژئوپلیتیک یک کشور با یک قاره بر حسب دسترسی آن به دریا تعریف می‌شود و از این منظر لبه‌های پرجمعیت غربی، جنوبی و شرقی قاره اوراسیا، ریملدن اصلی جهان هستند.

راه ابریشم جدید و ابتکار کمربند و جاده (BRI) اصطلاحاً یک «پروژه پرموت‌های»^۱ است که به همان اندازه ژئوپلیتیک (جغرافیایی سیاسی) بودن، ژئواکونومیک (جغرافیایی اقتصادی) نیز است. به موازات آن، گسترش تدریجی نقش سازمان همکاری شانگهای به عنوان یک مکانیسم همکاری اقتصادی رخ داد که در اینجا نیز ایران علاوه بر نقشی که در جاده ابریشم جدید دارد، یکی از اعضای برتر پیمان شانگهای و بریکس است. پس از کودتای میدان اوکراین در سال ۲۰۱۴، مشارکت راهبردی روسیه و چین به معنی واقعی کلمه شروع به سرعت گرفتن کرد. کمی بعد، ایران نیز عملاً تمام تولید نفت خود را به بریکس اختصاص داد. سپس ما امپراتوری غرب را در افغانستان تحقیر کردیم و عملیات نظامی ویژه (SMO) در اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ همراه با گسترش بریکس به مناطق سابقاً غربی در جنوب جهانی آغاز شد. شی در سفر به یادماندنی بهار ۲۰۲۳ خود به مسکو، به پوتین گفت «تغییراتی رخ خواهد داد که در ۱۰۰ سال گذشته دیده نمی‌شد» و هر دو باید در راس این تغییرات اجتناب‌ناپذیر قرار بگیرند. این دقیقاً محور گفت‌وگوهای هفته گذشته آنها در پکن بود. بمباران قلمرو فوق حفاظت‌شده رژیم صهیونیستی اسرائیل توسط ایران با دقت کامل - به عنوان پاسخی به حمله تروریستی به کنسولگری این کشور در یک کشور ثالث - پیامی شفاف و تغییربخش را ارسال کرد که برای اکثریت جهانی کاملاً درک شده بود: قدرت سلطه در غرب آسیا رو به پایان است!

از دست دادن «ریملدن»^۲ فریبنده برای ژئوپلیتیک کاملاً آمریکایی است و نیاز دارد دوباره آن را تحت کنترل درآورد چون می‌داند چقدر مهم است.

جهت جدید

ارز محلی در خدمات مالی» و افزایش همکاری‌های صنعتی، «از جمله در زمینه‌های راهبردی مانند تولید خودرو و قایق، ذوب فلزات و مواد شیمیایی» دارد. همه اینها درباره همکاری روسیه و ایران نیز صدق می‌کند. برای مثال، در سادسازی کریدور حمل‌ونقل بین‌المللی شمال - جنوب (INSTC)، بویژه از استارخان در دریای کاسپین به بندر ایران و سپس از طریق محورهای پایین‌دست آن به سمت خلیج فارس. باقری کنی، پیش از این گفته بود ایران به لطف «موقعیت ژئوپلیتیک استثنایی» در دسترسی به غرب آسیا، خلیج فارس، منطقه دریای کاسپین و اوراسیای بزرگ‌تر، می‌تواند به «رشد اقتصادی و پتانسیل اقتصادی» همه بازیگران منطقه کمک کند. سفر هفته گذشته پوتین به چین شامل بازدید از قطب شمال شرقی هاربین بود که پیوندهای جغرافیایی - تاریخی قوی با روسیه دارد؛ آنجا نمایشگاه بزرگ چین و روسیه بیش از ۵۰۰۰ شرکت تجاری را جذب کرد. تصور نمایشگاه مشترک به همان اندازه موفق میان روسیه و ایران در یک بندر کاسپین دور از ذهن نیست.

چارچوب در حال ظهور

آنچه روسیه، چین و ایران را به هم پیوند می‌دهد، در درجه اول یک چارچوب در حال ظهور است که توسط دولت‌های تمدنی مستقل طراحی شده است. فقدان رئیس‌جمهور شهید رئیسی هیچ تغییری در این تصویر بزرگ ایجاد نمی‌کند.

ما در میانه یک فرآیند طولانی در برابر محیطی هستیم که ده‌ها سال با درد و ترس مشروط شده است. این روند طی چند سال گذشته، با راه‌اندازی رسمی جاده ابریشم جدید در سال ۲۰۱۳، کشش بسیار زیادی به دست آورده است.



تشییع شهید جمهور و فرصت هدبستگی

به انسجام اجتماعی و وضعیت سیاسی و فرهنگی جامعه ما و نزدیک شدن مردم و ملت به دولت کمک بیشتری می‌کند.
۶- نکته دیگری که در بحبوحه حادثه اخیر مورد توجه قرار گرفت، سخن دوباره از انگاره فروپاشی است. فروپاشی ممکن است در یک لحظه اتفاق بیفتد ولی سازندگی ممکن است سال‌ها طول بکشد یا بتدریج اتفاق بیفتد. استایدی که از فروپاشی سخن می‌گویند نشانه‌هایی را در جامعه مدنظر قرار می‌دهند و اعتراضات و گلایه‌هایی را که در جامعه بویژه در حوزه معیشتی وجود دارد مورد توجه قرار می‌دهند و به برخی کنش‌های سیاسی و... نگاه می‌کنند که باعث می‌شود مردم از حکومت فاصله بگیرند. حتی برخی مسائل فرهنگی - قومی هم ممکن است مدنظر باشد. گلایه‌هایی که روی هم انباشته می‌شود و مطالبات پاسخ‌نیافته ممکن است در جایی خود را نشان دهد و باعث بحران شود اما حوادثی مثل حضور مردم در بدرقه رئیس‌جمهور شهید، باعث ایجاد همدلی شده و انگاره فروپاشی اجتماعی را مرده می‌کند. ذیل این حادثه فضای جدیدی ایجاد شده که به نظر می‌آید این فضاها مورد توجه و تأکید قرار گیرد. البته ممکن است نگاه‌های جناحی و برخی نگاه‌های انحصارگرایانه، این بحث را تقلیل دهد اما آنچه مسلم است اینکه پدیده‌ای که رخ داده بیش از اینها ظرفیت و جای بحث و گفت‌وگو دارد.

✽ عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

تولیدکنندگی و سازندگی، لذا باید به این سمت و سو حرکت کرد. از این رو انسان باید این آفرینندگی و خلاقیت و سازندگی را داشته باشد و انقلاب اسلامی در جهت فلسفی‌اش وامدار این نگاه است.
در برداشت از آموزه‌های صدرایی حضور مردم و خلق فرصت‌هایی که برای انسان و جامعه سازندگی ایجاد می‌کند، یکی از الزامات مهم است. انسان سرشار از اختیار است و در دامن اختیار است که فعالیت می‌کند و فارغ از این امکانی نیست و اگر این نگاه امتداد یابد، به آزادی می‌رسد، لذا یکی از شعارهای انقلاب اسلامی آزادی است. خلاقیت و استعداد و ایجاد و تولیدکنندگی و سازندگی با آزادی اتفاق می‌افتد. این وجه پررنگی است. در همین حادثه اخیر و حضور مردم این را مشاهده می‌کنیم که مردم یک فضا و ظرفیت جدید را خلق کردند. این فضای جدید باعث همبستگی و انسجام بیشتر اجتماعی شده و امیدواریم این انسجام اجتماعی تداوم یابد و در زمان انتخابات به انتخابات معنا ببخشد.

نکته دیگری که در اینجا وجود دارد این است که وقتی از سازندگی و خلق و حضور مردم صحبت می‌کنیم به معنای این است که سلاقی مختلف در اینجا حضور دارند. نباید مساله را صفر و یکی دید، هر موقع فضا را برای سلاقی مختلف فراهم کنیم،

همبستگی و انسجام اجتماعی تلقی شود. ملاصدرا تئوری «جسمانیه الحدوث و روحانیه البقا» را دارد که آن را در حوزه شریعت و سیاست هم مطرح می‌کند و دنیا و معاد را هم از همین زاویه نگاه می‌کند. او در ابتدای اسفار می‌گوید کار حکمت این است که نظام معاش را تدوین کند و نجات معاد را هم پیش‌بینی کرده و رقم بزند. جسمانیه الحدوث یعنی خلق و سازندگی در جامعه باید اتفاق بیفتد و این باید توسط همین انسان رقم بخورد. اگر بنا باشد نهادی به اسم دولت شکل بگیرد ولی این نهاد از حضور و توان مردم و استعداد مردم استفاده نکند، طبیعتاً شکاف ایجاد می‌شود.

لذا بحث ملاصدرا در باب انقلاب اسلامی هم مطرح می‌شود و نقطه اول جسمانیه الحدوث بودن، حضور مردم است. یعنی مردم پای کار هستند و حضور دارند، لذا باید جامعه‌های برای اداره جامعه شکل بگیرد و به مطالبات پاسخ دهد و آن را پیش ببرد. پس یک بحث خود حضور مردم است. من علاوه بر تعبیر ملاصدرا این امر را به جسمانیه الحدوث تعبیر می‌کنم. این حضور، حضور یک انسان آزاد و مختار و انسانی است که تعیین‌کننده در سرنوشت خود است و سرنوشت خود و جامعه خود را رقم می‌زند. ملاصدرا در ابتدای اسفار می‌گوید کار حکمت ایجاد و ایجاد است، یعنی

پوتین و رئیسی بر سر یک معاهده جامع دوجانبه به توافق رسیدند. پیش‌نویس سند اصلی اکنون آماده است و به امضای رئیس‌جمهور بعدی ایران خواهد رسید و مشارکت را بیش از پیش گسترش می‌دهد. همان‌طور که پارسل یکی از اعضای هیات ایرانی در مسکو به من گفت، وقتی آنها از روس‌ها پرسیدند چه چیزی می‌تواند روی میز قرار بگیرد، آنها پاسخ دادند «شما می‌توانید هر چیزی را از ما بخواهید» و بالعکس بنابراین تمام تمایلات درهم‌تنیده تغییر راهبردی «نگاه به شرق» رئیسی همراه با «چرخش قبلی روسیه به آسیا»، سرلوحه کار مسکو و تهران قرار گرفته است.

شورای وزیران امور خارجه سازمان همکاری شانگهای همین سه‌شنبه و چهارشنبه در آستانه (پایتخت قزاقستان) تشکیل جلسه داد و برای نشست در ماه ژوئیه آماده می‌شود؛ جایی که بلاروس به عضویت کامل در خواهد آمد. نکته مهم این است که کابینه عربستان سعودی نیز تصمیم ریاض برای پیوستن به آن، احتمالاً برای سال آینده را تصویب کرده است. تداوم رویه دولت ایران از طریق علی باقری کنی، وزیر موقت امور خارجه که نفر دوم پس از امیرعبدالله‌مان بود به طور کامل در آستانه به منصفه ظهور خواهد رسید. او باید بافاصله در کنار سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه و وانگ یی، همتای چینی خود وارد میدان شود تا درباره مسیر چندقطبی چندلایه گفت‌وگو کنند.

بیانیه مشترک مافوق صوت

منشور کلی آنچه یک سامانه جدید مستلزم آن است، هفته گذشته در نشست هم‌پوتین - شی به دنبال بیانیه مشترک چشمگیر ۱۰ فصلی در بیش از ۱۲۰۰ کلمه که واژه «همکاری» در آن نه کمتر از ۱۳۰ بار تکرار شده است، رونمایی شد. این سند را می‌توان به درستی به عنوان یک «مانیفست مافوق صوت مشترک» تفسیر کرد که به طور جامع «نظم بین‌المللی مبتنی بر قوانین» مصنوعی واشنگتن را منهدم می‌کند. بویژه این بخش آن حائز برجستگی است: «همه کشورها حق دارند به طور مستقل مدل‌های توسعه و نظام‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود را بر اساس شرایط ملی و خواست مردم انتخاب کنند و به مخالفت با دخالت در امور داخلی کشورهای مستقل، تحریم‌های یکجانبه و «مداخلت اهرم بلندمدت» بدون پشت‌بانی قوانین بین‌المللی یا مجوز شورای امنیت سازمان ملل متحد، همچنان ترسیم خطوط ایدئولوژیک بپردازند. هر ۲ طرف با اشاره به اینکه استعمار نو و سلطه‌گری کاملاً مغایر روند زمانه است، خواستار گفت‌وگو برابری، توسعه مشارکت‌ها و ارتقای مبادلات و یادگیری متقابل تمدن‌ها شدند».

ایران که بیش از ۴ دهه تحت شدیدترین تحریم‌ها قرار داشت، اکنون مستقیماً از چین و روسیه در زمینه تلاش‌های‌شان برای از بین بردن گفت‌وگو «انشقاق»، همچنین تأثیر سونامی تحریم‌های غرب بر روسیه کسب تجربه می‌کند. برای مثال در حال حاضر مجموعه‌های از کریدورهای قطار چین به اروپا بیشتر برای حمل کالاهای چینی به آسیای مرکزی و صادرات مجدد آنها به روسیه استفاده می‌شود. با این حال در میان این رونق تجاری، تنگناهای لجستیکی نیز افزایش می‌یابد. تقریباً هر بندر اروپایی از دریافت هرگونه محموله از روسیه یا به مقصد روسیه خودداری می‌کند. بزرگ‌ترین بندر روسیه نیز همچنان با مشکلاتی روبرو هستند: ولادی وستوک ظرفیت کشتی‌های باری بزرگ را ندارد، در حالی که سن‌پترزبورگ از چین بسیار دور است، بنابراین فصل سوم بیانیه مشترک روسیه و چین تأکیدات ویژه بر «همکاری بندری و حمل و نقلی، از جمله توسعه مسیرهای لجستیکی بیشتر» و تعمیق همکاری‌های مالی، «از جمله از طریق افزایش سهم

په‌په اسکوبار: در میان همه غم و اندوه از دست دادن سیدابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور ایران، بیابید لحظه‌ای را به نمایش بگذاریم تا نشانگر مسیر حساسی باشد که او به ایجاد نظم جهانی جدید کمک کرد. نزدیک به ۳ سال پس از روی کار آمدن رئیسی در قامت ریاست‌جمهوری ایران، یکپارچگی اوراسیا و حرکت به سوی چندقطبی بین‌المللی اساساً توسط ۳ بازیگر اصلی انجام شده است: روسیه، چین و ایران. دست بر قضا، همین‌ها ۳ «تهدید وجودی» اصلی برای قدرت سلطه هستند. ساعت ۱۰ شب یکشنبه گذشته در مسکو، ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه از کاظم جلالی، سفیر ایران در مسکو دعوت کرد در یک دیدار از پیش برنامه‌ریزی‌شده با سران تیم دفاعی روسیه بر سر یک میز حضور داشته باشد.

این دعوت بسیار فراتر از حدس و گمان رسانه‌های کوته‌بین (غرب‌گرا) بود که درگیر این بحث بودند که آیا مرگ ناهینگام رئیس‌جمهور ایران به دلیل «سناحهای تصادفی» بوده یا یک اقدام خرابکارانه؟ این نمره تلاش خستگی‌ناپذیر رئیسی بود که ایران را به عنوان کشوری رو به شرق معرفی کرد، تصمیم جسورانه درستی برای ائتلاف با قدرت‌های بزرگ آسیا اتخاذ کرد و در همان حال روابط تهران را با دشمنان منطقه‌ای گذشته شیرین‌تر ساخت.

افزایش یکپارچگی اوراسیا

اگر به آن میز یکشنبه شب در مسکو بازگردیم، همه آنجا بودند - از وزیر دفاع [جدید] آندری بلوسف و سرگئی شویگو دبیر شورای امنیت گرفته تا والری گراسیموف رئیس ستاد کل ارتش، الکساندر کورنکوف وزیر امور اضطراری و ایگور لویتین دستیار ویژه رئیس‌جمهور. پیام کلیدی این بود که مسکو هوای تهران را دارد و روسیه به طور کامل از ثبات و تداوم حاکمیت در ایران حمایت می‌کند؛ حامی‌بوده که به طور مطلق مورد ضمانت قانون اساسی ایران و تعیین احتمالات دقیق توسط آن برای انتقال مسالمت‌آمیز قدرت در شرایط غیرعادی است. از آنجا که ما اکنون در اعماق وضعیت جنگی ترکیبی - در آستانه داغ شدن - در اکثر نقاط کره زمین هستیم، ۳ دولت تمدنی که سامانه نوین روابط بین‌الملل را شکل می‌دهند، نمی‌توانند بیش از این عیان باشند.

روسیه، ایران و چین - به طور مخفف RIC - در حال حاضر از طریق مشارکت‌های راهبردی دوجانبه و همه‌جانبه در ارتباط هستند. آنها هم عضو بریکس و هم سازمان همکاری شانگهای (SCO) هستند و شیوه کارشان در نشست مهم هفته گذشته پوتین با رئیس‌جمهور چین، شی‌جین‌پینگ در پکن به طور کامل برای بررسی اکثریت جهانی رونمایی شد. خلاصه! هیچ‌یک از این ۳ قدرت آسیایی اجازه نمی‌دهند شرکای دیگر توسط «مظنونان همیشگی» بی‌ثبات شوند.

یک رکورد کهنکاشی

رئیس‌جمهور فقید، رئیسی و دیپلمات ارشد او، حسین امیرعبدالله‌مان، وزیر امور خارجه، میراثی درخشان از خود بر جا گذاشتند. با مدیریت آنها، ایران به عضویت بریکس و عضویت کامل سازمان همکاری شانگهای درآمد و یکی از سهامداران اصلی اتحادیه اقتصادی اوراسیا (EAEU) شد. اینها ۳ سازمان چندجانبه‌گرای کلیدی هستند که مسیری چندقطبی را شکل می‌دهند. تلاش دیپلماتیک جدید ایران منوچه بازیگران کلیدی عربی و آفریقایی، از عربستان سعودی، کویت و مصر گرفته تا لیبی، سودان و جیبوتی شد. تهران برای نخستین بار عملیات نظامی (مستقیم) پیچیده و گسترده‌ای را علیه اسرائیل انجام داد که طی آن رگبار پهپادها و موشک‌ها را از خاک خود شلیک کرد. روابط ایران و روسیه در همکاری‌های تجاری و نظامی - سیاسی به سطح بالاتری رسید. ۲ سال پیش

ادامه از صفحه اول

این امر، هم جنس بودن آن مسؤول و مدیر اجرایی با مردم را نشان می‌دهد.
۴- در این بین مساله صداقت هم اهمیت ویژه‌ای دارد. اینکه مسؤولی صادقانه با مردم حرف بزند و صادقانه با مردم رفتار کند و صادقانه به وعده‌هایی که می‌دهد، عمل کند خیلی اهمیت دارد.
مردم می‌خواهند ببینند آنچه گفته شده با آنچه عمل شده، چقدر هم‌راستاست و آن صداقت است. امام موسی صدر تعبیری دارد و این پرسش را مطرح می‌کند که محبوبیت من در لبنان به چه دلیل است؟ ایشان می‌فرمایند من با مردم با صداقت رفتار می‌کنم. ایشان صداقت را در ۳ عرصه مطرح می‌کند که صداقت در رفتار، صداقت در گفتار و صداقت در عمل است. لذا صداقت یکی از عوامل محبوبیت است. وقتی صداقت سرلوحه مدیران جامعه باشد، مردم با دولت همراه هستند. مردم از گزارش‌های نادرست، تبعیض و بی‌عدالتی و نابرابری زرده و ناراحت می‌شوند و اعتراض دارند. مردم از برخی اقدام‌هایی که در جامعه رخ می‌دهد و آنها را قانع نمی‌کند گلایه دارند. اگر مسؤولی به‌گونه‌ای عمل کند که این ارتباط نزدیک‌تر شود و این صداقت در گفتار و وعده و عمل مشهود باشد و جلوه‌گری کند، به نظر می‌رسد شکاف‌های

